



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۱، صص ۳۶۶-۳۷۸

طراحی الگوی عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و

بلوچستان با استفاده از نظریه داده بنیاد

نرجس اربابی^۱، سید محمد جواد سبحانی^{۲*}

۱- دکتری فقه و مبانی حقوق، مدیر دبیرستان شبانه روزی دخترانه دانشگاه ولایت، ایرانشهر، سیستان و بلوچستان.

E arbabi.narges@gmail.com

۲- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان،

ملاثانی، ایران Mjsobhani@asnrukh.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۶

چکیده

تأمین عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی، موضوعی اساسی در ارتقای عدالت اجتماعی و توسعه انسانی در هر جامعه‌ای است. با این حال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مناطق محروم از کمبود فرصت‌ها و منابع آموزشی رنج می‌برند. استان سیستان و بلوچستان، واقع در جنوب شرقی ایران، یکی از این مناطق با سطح فقر بالا و کمبود امکانات آموزشی کافی است. بنابراین این پژوهش با هدف طراحی الگویی برای عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که طراحی الگویی برای عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان نیازمند رویکردی همه‌جانبه است که نقش حمایت دولت، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی منابع انسانی را در نظر بگیرد. الگوی توسعه یافته در این پژوهش، چارچوبی برای ارتقای عدالت اجتماعی و توسعه منابع انسانی از طریق آموزش در مناطق محروم را فراهم می‌کند. همچنین اجرای این الگو می‌تواند به ارتقای چشمگیر کیفیت آموزش و ارتقای عدالت و برابری در فرصت‌های آموزشی در استان سیستان و بلوچستان منجر شود.

کلمات کلیدی: "عدالت آموزشی"، "برابری آموزشی"، "فرصت‌های آموزشی"، "گراند تئوری"، "استان سیستان و بلوچستان".

مقدمه

برقراری عدالت از اصول اساسی هر جامعه و ضامن برابری، انصاف و بی طرفی در توزیع منابع، فرصت ها و مسئولیت هاست (Beitz, 1975). یکی از مولفه های کلیدی برقراری عدالت در هر جامعه، فراهم کردن فرصت های آموزشی برابر برای همه شهروندان آن است (Brighouse & Swift, 2014; Culp, 2020; Howe, 1997). آموزش به عنوان سنگ بنای توسعه، رشد و پیشرفت است و نقشی محوری در شکل دادن به آینده افراد و جوامع دارد (Meyer, 2021). عدالت به این مهم اشاره دارد که همه افراد بدون در نظر گرفتن پیشینه، قومیت، نژاد، جنسیت یا موقعیت اجتماعی، فرصت های برابر برای موفقیت و پیشرفت دارند (Biesta et al., 2022). آموزش ابزاری حیاتی در برقراری عدالت است زیرا مهارت ها، دانش و منابع لازم برای موفقیت در زندگی را در اختیار افراد قرار می دهد. آموزش کلید باز کردن فرصت ها و شکستن موانعی است که افراد را از دستیابی به رشد استعدادها و قابلیت های خود باز می دارد (Landi et al., 2020; Rodriguez & Morrison, 2019).

با توجه به کمبود منابع تخصیص یافته به آموزش، چالش های توزیع عادلانه فرصت های آموزشی بسیار آزاردهنده است (Coleman, 1968). اگرچه جوامع توسعه یافته مقداری آموزش را به صورت رایگان به شهروندان خود ارائه می دهند، اما تأمین بودجه برای آموزش همیشه در رقابت با نیاز به تأمین سایر کالاهای اجتماعی برای شهروندان است (Shields et al., 2023). همانطور که امی گاتمن می نویسد: "بهای استفاده از آموزش برای به حداکثر رساندن شانس زندگی کودکان، چشم پوشی از سایر کالاهای اجتماعی است" (Gutmann 1999). به طور کلی در تمامی جوامع پذیرفته شده است که فرصت های آموزشی بویژه برای کودکان باید برابر باشد (Coleman, 1968). زیرا آموزش به طور قابل توجهی بر شانس زندگی افراد از نظر موفقیت در بازار کار، آمادگی برای شهروندی و شکوفایی عمومی انسان تأثیر می گذارد. همچنین شانس زندگی کودکان نباید توسط برخی شرایط اخلاقی خودسرانه در زمان تولد آنها مانند طبقه اجتماعی، نژاد و جنسیت آنها تثبیت شود. اما معنای دقیق و پیامدهای ایده آل برابری فرصت های آموزشی موضوع اختلاف نظر اساسی است (Shields et al., 2023). دامنه این اختلافات از حضور کلیه دانش آموزان در مدرسه و عدم پرداخت هرگونه وجهی بابت ثبت نام شروع شده و تا ارائه آموزش های یکسان برای همگان، برابری فرصت ها در خروج از مدرسه و اثربخشی آموزش در نوسان بوده است (شیرکرمی و بختیارپور، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، فرصت های آموزشی برابر از استلزامات برقراری عدالت در هر جامعه ای ضروری است. آموزش می تواند مهارت و دانش لازم را برای تبدیل شدن به اعضای مولد جامعه در اختیار افراد قرار دهد و به طور همزمان تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت که لازمه نوآوری و شکوفایی هستند را ترویج کند (Coleman, 1968). آموزش همچنین انسجام اجتماعی را تقویت نموده و تفاهم را در میان افراد با پیشینه های مختلف و فرهنگ های

متفاوت به ارمغان می‌آورد. فراهم کردن فرصت‌های آموزشی عادلانه، مستلزم اجرای سیاست‌هایی است که موانع آموزش و پرورش را که افراد محروم با آن مواجه هستند، برطرف کند (Brighouse & Swift, 2014).

بر اساس تحقیقات در اغلب جوامع، افراد دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی ندارند. در بسیاری از مناطق، افراد از موانع قابل توجهی جمله فقر، تبعیض، و کمبود منابع برای آموزش مواجه هستند (Ainscow, 2020). این عوامل مانع از دسترسی افراد به آموزش با کیفیت می‌شود که فرصت‌ها و پتانسیل موفقیت آنها را محدود می‌کند (Shields et al., 2023). گاموران و لانگ (۲۰۰۷) با بررسی برابری فرصت‌های آموزشی ۴۰ سال گذشته اشاره می‌کنند که طیف گسترده‌ای از رویکردهای مختلف نظری و روش شناختی وجود دارد اما در عصر حاضر بایستی بر موضوعاتی همچون آموزش خصوصی، بازاریابی برای آموزش و یادگیری مشارکتی تاکید بیشتری داشت. برخی محققین معتقدند که در سال‌های اخیر همه‌گیری کوید-۱۹ به مفهوم عدالت آموزشی اهمیت جدیدی بخشیده است تا اطمینان حاصل شود هر فرد می‌تواند تصمیمات شخصی مؤثر بگیرد و در امور مدنی مشارکت کند (Reimers, 2022). با این حال، نظام‌های اجتماعی و سیاسی اغلب فرصت‌های فردی را برای تصمیم‌گیری شخصی محدود می‌کنند. این زمینه‌های سیاسی-اجتماعی نیاز به تأکید بیشتر بر آموزش عدالت‌محور دارد که دانش‌آموزان را برای تشخیص و پاسخ به نابرابری‌ها در زمینه‌های محلی و جهانی مجهز می‌کند (Forsythe & Chan, 2021).

سامری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف تبیین نابرابری‌های آموزشی بیان داشته‌اند بیشترین تأثیر را بخش شاخص‌های اقتصادی و کمترین تأثیر را شاخص نیروی انسانی در پیشگویی نابرابری مناطق آموزش و پرورش داشته‌اند. نتایج تحقیقات حیدرزادگان و صندوقداران (۱۳۹۶) نشان داد که نظام آموزشی مناطق عشایری استان سیستان و بلوچستان در تمام شاخص‌های نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است. شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳) با ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی به این نتیجه دست یافتند که در بین مناطق و نواحی مختلف (اعم از شهری یا روستایی)، از حیث بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی تعادل مناسبی برقرار نیست. از جنبه نرخ‌های ثبت نام و پوشش تحصیلی و نیز از حیث میزان دسترسی به معلمان مقطع ابتدایی، مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی و گروه پسران نسبت به گروه دختران برتری داشته و در سطح بالاتری قرار دارند. در زمینه دسترسی به فضاهای آموزشی مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برخوردارتر بوده‌اند و در مورد نرخ بازدهی آموزش، دختران نسبت به پسران و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برتری دارند.

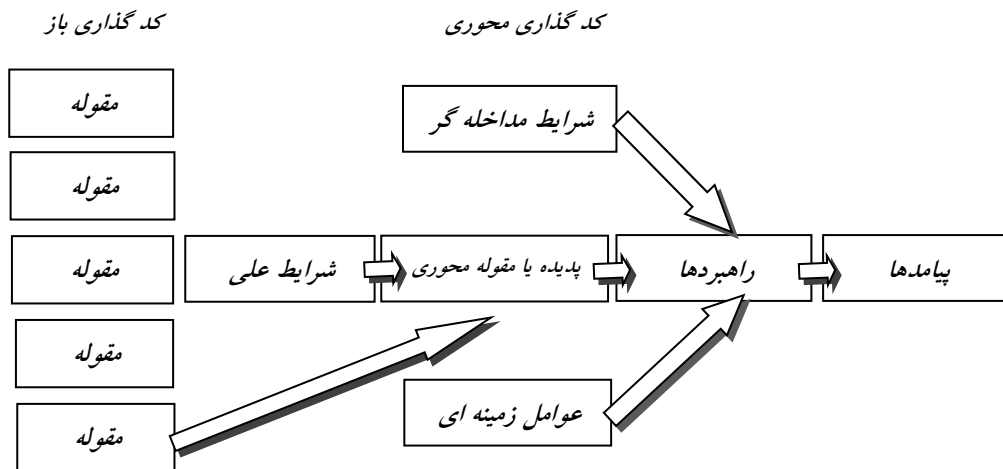
نبی زاده سرابندی (۱۳۸۴) نیز با بررسی مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان از جهت وضعیت آموزش، سه نوع نابرابری را گزارش داده است. به طور کلی نتایج بدست آمده حاکی از آن است که وضعیت آموزشی در استان هم در بین نواحی مختلف استان نابرابر است و هم تفاوت‌های جنسیتی قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. افزون بر

این وضعیت استان از میانگین کشوری نیز پایین تر است. همچنین حسین بر و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی مشابه به بررسی نابرابری های آموزشی سیستان و بلوچستان در مقایسه با شاخص های کشوری و ارائه الگویی برای تحقق عدالت آموزشی پرداخته اند. نتایج نشان داد بیشترین تأثیر در بی عدالتی آموزشی مربوط به تخصیص ناعادلانه اعتبارات، کمبود امکانات در جغرافیای وسیع استان و وسعت و پراکندگی درون استانی، و کمترین تأثیر مربوط به کمبود نیروی بومی قدرتمند و کارآمد در سطح تصمیم ها، مطالبه گرنبودن مردم و قوم گرایانه بودن و چنددستگی مردم در سطح تصمیم ها است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که عوامل اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی - قومی و مذهبی و ضعف امکانات و زیرساخت ها، پنج عامل موثر در بروز نابرابری های آموزشی هستند. استان سیستان و بلوچستان، یکی از مناطق محروم و نیازمند کشورمان است که همواره با مسائلی از قبیل فقر، بیکاری، درگیری های مرزی، نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، فقدان فرصت های آموزشی مواجه بوده است (نبی زاده سرابندی، ۱۳۸۴؛ خمیری و معمیری، ۱۳۹۷؛ صبحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). این استان به دلیل ویژگی های جمعیتی، فرهنگی و جغرافیایی خود، در شرایط بحرانی قرار داشته و با چالش های فراوانی در زمینه آموزش و پرورش مواجه است (حیدرزادگان و صندوقداران، ۱۳۹۶). بر اساس آمارهای موجود، نرخ نامناسبی از کودکان و نوجوانان این استان از آموزش و پرورش بی نصیب می مانند و در نتیجه، این استان از بین برنده های بسیاری از فرصت های آموزشی است (حسین بر و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین در این مقاله، به بررسی این مسائل و راهکارهایی که برای برقراری عدالت و فرصت های آموزشی در جهت رفع نابرابری های منطقه ای در سیستان و بلوچستان می توان اتخاذ کرد، پرداخته شده است.

روش تحقیق

هدف این مطالعه طراحی الگوی عدالت و برابری فرصت های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان بود. این مطالعه کیفی به روش گراند تئوری یا نظریه داده بنیاد انجام شد و تحلیل اطلاعات آن در نرم افزار MAXQDA صورت گرفت. در تحقیقات کیفی، مصاحبه، مشاهده، روش های اسنادی و ضبط صدا یا تصویر، روش های اصلی گردآوری اطلاعات هستند (Gillham, 2000). در نظریه پردازی داده بنیاد گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع برسد؛ یعنی زمانی که داده های جدید جمع آوری شده با داده هایی که قبلاً جمع آوری شده تفاوتی ندارد و مانند هم شده اند. در نظریه پردازی داده بنیاد به این نوع نمونه گیری، نمونه برداری نظری می گویند که عبارتست از فرآیند جمع آوری داده برای تولید نظریه که به وسیله آن تحلیلگر به طور همزمان داده هایش را جمع آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده هایی را جمع آوری و در کجا آن ها را پیدا کند (Glaser and Strauss, 2017). در نظریه پردازی داده بنیاد مقوله های فرعی تحت سلسله روابطی به مقوله اصلی و محوری مرتبط شده و روابط میان آن ها با مقوله

اصلی تحت الگو و مدلی مشخص می‌شود (Strauss and Corbin, 1997). نگاره زیرتبدیل کدگذاری باز به پارادایم کدگذاری محوری را نشان می‌دهد.



نگاره ۱- تبدیل کدگذاری باز به پارادایم کدگذاری محوری

از آنجا که نظریه داده بنیاد به عنوان یک روش کارآمد در ارزیابی چالش‌های مناطق روستایی و محروم معرفی شده است (بابایی و ریاحی، ۱۳۹۷)، در این مقاله نیز از روش تحلیل محتوای کیفی منابع علمی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. منابع علمی مورد استفاده در این مقاله شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی از تجارب ملی و بین‌المللی، گزارش‌ها و آمارهای مرتبط با آموزش و پرورش در استان سیستان و بلوچستان است.

یافته‌ها

با توجه به مدل پارادایمی استراوس و کربین (Straus & Corbin, 2011) این عوامل را می‌توان در سه بخش شرایط (زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر) تعاملات و پیامدها بررسی کرد. شرایط مجموعه رویدادها و حوادثی است که موقعیت‌ها و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند. در این تحقیق پدیده همان برقراری عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی است و شرایط علی در اینجا رویدادها و وقایعی هستند که بر پدیده اثر می‌گذارند. به عبارت دیگر، شرایط علی، عامل اصلی بوجود آمدن پدیده مورد مطالعه در نظر گرفته می‌شوند. شرایط زمینه‌ای بیشتر به بستری مورد مطالعه مربوط می‌شوند و شرایط مداخله‌گر، شرایط بیرونی اثرگذار بر بروز پدیده هستند. تعاملات یا راهبردها، پاسخ‌هایی هستند که افراد یا گروه‌ها به مسائل و رویدادهایی می‌دهند که تحت آن شرایط پدید می‌آیند. در تحقیق حاضر، تعاملات به راهبردهایی اطلاق شده است که با حمایت دولت، مشارکت نهادهای جامعه و آموزش منابع انسانی مسیر دستیابی به نتایج مطلوب را میسر می‌سازد. در نهایت پیامدها نتایج اعمال و تعاملات مردم هستند. در این تحقیق پیامدها آثار و تبعات برقراری عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی است که هم‌سو با ارکان توسعه پایدار جوامع در نظر گرفته شده‌اند.

در مرحله اولیه کدگذاری باز، اطلاعات جمع‌آوری شده سطر به سطر مطالعه گردید و مفاهیم پنهان در آنها به شکل کد استخراج شد. در مرحله دوم این کدگذاری، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب مقوله‌های عمده، طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری، مقوله‌های به دست آمده بر اساس سه وجه شرایطی، تعاملی فرایندی و پیامدی طبقه‌بندی شدند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی با توجه به آنچه به عنوان «خط داستان» مر سوم است، ارتباط منطقی بین مقوله‌ها در قالب ابعاد سه‌گانه مذکور و بر اساس پدیده (مقوله محوری)، بررسی شد (صبحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۶).

اولین بخشی که باید به آن پرداخته شود، فقر و بیکاری در این منطقه است (میر، ۱۳۹۴). برای رفع این مشکلات، باید ابتدا برنامه‌هایی برای ایجاد شغل در این مناطق طراحی کرد. ایجاد کارخانه‌ها و صنایع کوچک و متوسط، بهره‌وری بالاتر از منابع طبیعی و توسعه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی می‌تواند به اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری کمک کند. همچنین، باید برنامه‌هایی برای آموزش کودکان همسوی با مهارت‌های لازم در ایجاد کسب و کار مناسب منطقه تدوین کرد (Nielsen, 2020).

کیفیت آموزش در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان نیز نگرانی قابل توجهی است. بسیاری از مدارس در این مناطق فاقد معلمان واجد شرایط، مواد آموزشی و امکانات اولیه هستند (حسین بر و همکاران، ۱۴۰۰). بخش دیگری که باید به آن پرداخته شود، فرصت‌های آموزشی است. در این منطقه، اکثر مدارس با مشکلاتی از قبیل نداشتن تجهیزات و معلمان کافی و نداشتن زیرساخت‌های لازم برای آموزش مواجه هستند (خمیری و معمیری، ۱۳۹۷؛ حیدرزادگان و صندوقداران، ۱۳۹۶). برای رفع این مشکلات، باید برنامه‌هایی برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی مانند ایجاد محتوای آموزشی، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مدارس با کیفیت بیشتر طراحی شود. همچنین، باید برنامه‌هایی برای آموزش و ارتقای سطح دانش و مهارت معلمان و کارکنان آموزشی طراحی کرد. این برنامه‌ها می‌توانند از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان و کارکنان آموزشی، توسعه پایگاه‌های آموزشی آنلاین و ایجاد شبکه‌های همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای ارتقای سطح آموزش در این منطقه انجام شود.

فرصت‌های آموزشی کافی در استان سیستان و بلوچستان به خصوص در مناطق محروم وجود ندارد. این مشکل باعث می‌شود که بسیاری از کودکان و نوجوانان در این استان از آموزش و پرورش بی‌نصیب بمانند (حسین بر و همکاران، ۱۴۰۰). برخی از مدارس و مراکز آموزشی در این استان نیاز به بازسازی و بهبود دارند. همچنین، تجهیزات آموزشی کافی در این مدارس و مراکز آموزشی وجود ندارد. نرخ غیبت و از دست رفتن درس در این استان بسیار بالاست. این مشکل می‌تواند به دلیل عدم توانایی دانش‌آموزان در درک مطالب درسی، نبود تجهیزات و محیط آموزشی مناسب و نبود حمایت و انگیزش از سوی خانواده‌ها باشد (میر، ۱۳۹۴). عدم توانایی در دسترسی به کتاب‌ها و منابع آموزشی، به خصوص در مناطق محروم، یکی دیگر از موانع عدالت آموزشی در استان سیستان و

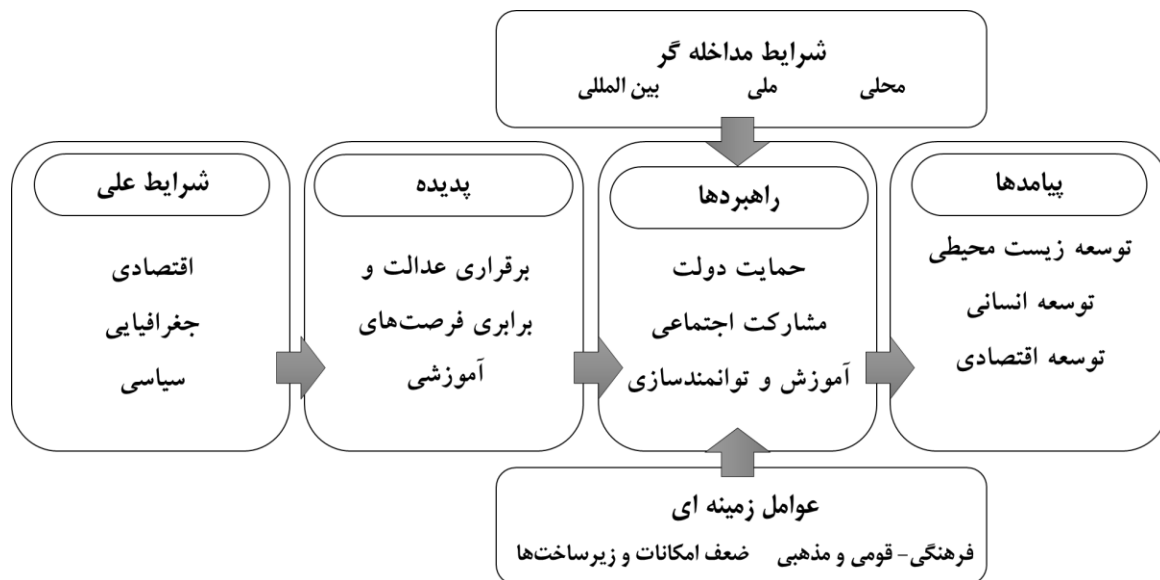
بلوچستان است. نبود کادر معلمان و مشاوران آموزشی ماهر و کافی در این استان، باعث می‌شود که این استان با کمبود مدیریتی در زمینه آموزش و پرورش مواجه شود (نبی زاده سرابندی، ۱۳۸۴).

به طور کلی عدم رعایت عدالت آموزشی در کشور مسائل مختلفی را در بر داشته است و این مسائل خود باعث بوجود آمدن دوگانگی های زیادی از جمله اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در مناطق مختلف کشور شده است (میر، ۱۳۹۴). بنابراین برقراری عدالت بدین معناست که همه افراد بدون توجه به پیشینه و موقعیت اجتماعی خود به فرصت های آموزشی مطلوب دسترسی داشته باشند. از این رو برای دولت ها و سیاست گذاران ضروری است که برای تضمین برقراری عدالت و توسعه جوامع، ارائه فرصت های آموزشی برابر را در اولویت قرار دهند. در نتیجه، برای برقراری عدالت و فرصت های آموزشی در جهت رفع نابرابری های منطقه ای در سیستان و بلوچستان، باید برنامه هایی برای ایجاد فرصت های کاری، توسعه بخش های اقتصادی، ایجاد فرصت های آموزشی و ارتقای سطح آموزش و پایگاه های زیرساختی آموزشی طراحی کرد. باید همراه با این برنامه ها، تلاش شود تا با همکاری بین نهادهای مختلف و ایجاد شبکه های همکاری، این منطقه را به یک منطقه پویا و پیشرفته تبدیل کرد و نابرابری های منطقه ای در سیستان و بلوچستان را به حداقل رساند. در این پژوهش از متن منابع و مقالاتی که مورد بررسی قرار گرفت، کدهای باز استخراج شده و در قالب ۱۵ کد محوری ناگذاری شدند. پس از آن طبق الگوی نظام مند نظریه داده بنیاد کدهای انتخابی شامل بخش های شرایط علی، عوامل زمینه ای، شرایط مداخله گر، پدیده عدالت و برابری آموزشی، راهبردها و پیامدهای آن تدوین و خلاصه نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است:

جدول ۱- کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر گرفته از فرآیند تحلیل محتوا

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی
کدهای باز	اقتصادی	فقر نسبی در منطقه، نرخ بالای غیبت و ترک تحصیل به علت کمبود مالی، عدم جلب اعتماد سرمایه گذار خصوصی، تخصیص ناعادلانه اعتبارات
	جغرافیایی	آب و هوا، سیل و خشکسالی، دوری از مرکز، کمبود منابع طبیعی، پراکندگی جغرافیایی، تعدد روستاهای محروم و عشایر، نرخ بالای مهاجرت، ایجاد ناامنی و درگیری مرزی
	سیاسی	سیاست شدن آموزش، عدم شفافیت در سیاست گذاری و قانون گذاری، مدیریت ضعیف منابع، فقدان استانداردهای آموزشی، عدم توجه به اولویت آموزش در سیاست ها، ضعف در بررسی و مطالعات آسیب شناسی
عوامل زمینه‌ای	فرهنگی - قومی و مذهبی	هنجارهای اجتماعی، اختلاف اقوام و مذاهب، تبعیض جنسیتی، روحیه تعاون، همکاری و پشتکار، نرخ پایین سواد والدین، عدم مطالبه گری مردم
	ضعف امکانات و زیرساخت‌ها	کمبود معلم و نیروی انسانی متخصص، ضعف زیرساخت فناوری آموزشی، پایین بودن سرانه فضای آموزشی، فقدان تجهیزات هوشمندسازی مدارس، کتابخانه، آزمایشگاه، و مراکز فرهنگی. نیاز به بازسازی اماکن آموزشی و بهبود تجهیزات. کمبود مراکز بهداشتی و درمانی کودکان.
پدیده	برقراری عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی	لزوم دسترسی برابر به امکانات و منابع آموزشی با کیفیت، بهره‌مندی عمومی از آموزش فارغ از از مرزهای محلی-ملی و شرایط اجتماعی-سیاسی، ضرورت اصلاح ساختار پژوهشی و آموزشی همسو با اولویت مناطق، توانایی مخاطبان در اتخاذ تصمیمات شخصی مؤثر و مشارکت در امور مدنی بویژه در شرایط بحران
شرایط مداخله‌گر	محلی	آب و هوا، منابع طبیعی، نیاز به آموزش روستایی و عشایری
	ملی	کمبود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در منطقه، تمرکز برنامه‌های دولتی در مراکز استان
	بین‌المللی	مرز مشترک با سایر کشورها، دسترسی به آب‌های بین‌المللی، توسعه منطقه آزاد، تاثیر شیوع بیماری‌ها (کرونا)
راهبردها	حمایت دولت	برنامه های دولت برای ارتقای آموزش مناطق محروم، بورسیه و تسهیلات دولتی، نوسازی، هوشمندسازی و تجهیز مدارس
	مشارکت اجتماعی	تعامل با سازمان ها و موسسات مردم نهاد، رهبران محلی، خیرین مدرسه ساز، ارائه آموزش از طریق مشارکت با سایر سازمان
	آموزش و توانمندسازی	توانمندسازی منابع انسانی، آموزش بزرگسالان، تربیت مربیان، معلمان و مدیران متخصص بومی
پیامدها	توسعه زیست محیطی	اصلاح الگوی مصرف، توسعه طرح های مشارکتی منابع طبیعی (مانند منارید)
	توسعه انسانی	جلوگیری از فرار استعدادها، توسعه برنامه نگهداشت و جانشین یابی منابع انسانی، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی
	توسعه اقتصادی	کارآفرینی، کاهش فقر، توسعه کسب و کارهای بومی

تجزیه و تحلیل داده ها منجر به شناسایی سه دسته اصلی راهبرد شد: (۱) نقش دولت در فراهم کردن فرصت های آموزشی، (۲) نقش مشارکت های اجتماعی در ارتقای آموزش و (۳) نقش توانمندسازی نیروی انسانی و معلمان در بهبود وضعیت. کیفیت آموزش دسته اول نشان می دهد که دولت باید منابع و امکانات کافی را برای تامین عدالت و برابری فرصت های آموزشی در مناطق محروم فراهم کند. مؤلفه مشارکت اجتماعی شامل مشارکت فعال والدین، رهبران محلی، موسسات و سازمان های مردم نهاد و اعضای جامعه در ارتقای آموزش و ایجاد یک محیط حمایتی برای دانش آموزان است. مؤلفه تربیت و توانمندسازی معلمان و مدیران بر ارتقای کیفیت آموزش با ارائه مهارت ها و منابع لازم به معلمان برای رفع نیازهای دانش آموزان مناطق محروم تمرکز دارد. نگاره ۲ فرآیند کد گذاری باز، محوری و انتخابی در تبیین الگوی عدالت و برابری فرصت های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان را نشان می دهد:



نگاره ۲- الگوی عدالت و برابری فرصت های آموزشی در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان

نتیجه گیری

استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطقی است که به دلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی نامساعد، محروم شناخته می شود. در این منطقه، مسائلی مانند فقر، بیکاری، بی سواد و تحصیلات پایین، از جمله مشکلات اساسی است که بر سر زبان هاست. با این حال، یکی از راه حل هایی که می تواند بهبود وضعیت این منطقه را تضمین کند، برقراری عدالت و فرصت های آموزشی است. یکی از نکات مهم در برقراری عدالت، ترکیبی از عدالت توزیعی و عدالت فرصت است. به عبارت دیگر، برای برقراری عدالت، لازم است برای همه افراد فرصت های برابری وجود داشته

باشد، و در عین حال، منابع و ثروت‌ها به طور عادلانه توزیع شوند. در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، این ایده باید به صورت جدی پیگیری شود تا بتوان بهبود وضعیت این منطقه را تضمین کرد. با توجه به اهمیت آموزش در توسعه انسانی و اجتماعی، فراهم کردن فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم، از اولویت‌های اساسی برای برقراری عدالت است. برای این منظور، باید از روش‌هایی مانند احداث مدارس، ارائه بورس‌های تحصیلی و ایجاد کلاس‌های آموزشی برای بزرگسالان استفاده کرد. همچنین، باید برای افزایش کیفیت آموزش در مناطق محروم، از معلمان و استادان بومی استفاده شود که با شرایط و نیازهای این مناطق آشنا هستند. علاوه بر فراهم کردن فرصت‌های آموزشی، توزیع منابع و ثروت‌ها نیز باید به عنوان یکی از عوامل برقراری عدالت در نظر گرفته شود. در این راستا، باید سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی، صنعتی و کشاورزی منطقه، توسعه کارآفرینی و ایجاد شغل‌های جدید، به عنوان راهکارهای اساسی برای توزیع منابع و ثروت‌ها به صورت عادلانه، مدنظر قرار گیرد.

در این راه، می‌توان به توسعه بخش کشاورزی به عنوان یک بخش مهم و نقش‌آفرین در اقتصاد منطقه، توجه کرد. با ارائه دوره‌های آموزشی و فنی برای کشاورزان، بهبود روش‌های کشت و دسترسی به بازارهای جهانی از طریق مناطق آزاد، می‌توان به عنوان یکی از راهکارهای اساسی برای توزیع منابع و ثروت‌ها به صورت عادلانه، در مناطق محروم سیستان و بلوچستان عمل کرد. همچنین، با توجه به اهمیت دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، ایجاد بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی، به عنوان یکی دیگر از راهکارهای مهم در برقراری عدالت در مناطق محروم سیستان و بلوچستان قابل اجرا است.

در نتیجه، برقراری عدالت و فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم سیستان و بلوچستان، به عنوان یکی از راهکارهای اساسی برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی این منطقه، بسیار مهم است. با احداث مدارس، توسعه کارآفرینی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و توزیع منابع و ثروت‌ها به صورت عادلانه، می‌توان بهبود وضعیت این منطقه را تضمین کرد. با توجه به چالش‌های فراوانی که در زمینه آموزش و پرورش در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد، به نظر می‌رسد که اجرای برنامه‌های جدی و قابل اعتماد برای بهبود عدالت آموزشی در این استان ضروری است. از جمله راهکارهایی که می‌تواند بهبود عدالت آموزشی در استان سیستان و بلوچستان را به دنبال داشته باشد، می‌توان موارد زیر را پیشنهاد نمود:

۱. احداث مدارس و مراکز آموزشی در مناطق محروم و ایجاد مدارس سیار، به منظور افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی برای کودکان و نوجوانان از طریق جلب کمک‌های دولتی، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و همکاری با موسسات خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد.

۲. ارائه بورس‌های تحصیلی به دانش‌آموزان در مناطق محروم، به منظور کمک به کودکان و نوجوانان در دسترسی به فرصت‌های آموزشی شامل تحصیل در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی و دوره‌های آموزشی.

۳. نوسازی، تجهیز و بهبود کیفیت مدارس و مراکز آموزشی موجود در مناطق محروم، به منظور بهبود شرایط آموزش و پرورش.
 ۴. ایجاد کلاس‌های آموزشی برای بزرگسالان در جهت بهبود دسترسی والدین به فرصت‌های آموزشی و ارتقای سطح آموزش آن‌ها با مشارکت نهادهایی همچون سازمان فنی حرفه‌ای، اداره تعاون، بهزیستی و ... در زمینه‌های مختلف دانشی و مهارتی.
 ۵. جلب مشارکت معلمان داوطلب، افزایش تعداد معلمان رسمی، کادر مدیریتی و مشاوران آموزشی متخصص در مناطق محروم، به منظور بهبود سرانه خدمات آموزشی در این مناطق.
 ۶. تامین زیرساخت‌های آموزش از راه دور و توسعه فناوری در آموزش و پرورش، ایجاد شبکه ارتباطی گسترده با بهره‌مندی از محتوای درسی مطلوب و اساتید برجسته کشوری در شرایط عادی و همچنین مقابله با شرایط بحرانی همچون شیوع بیماری یا بلایای طبیعی.
- در نتیجه، با استفاده از راهکارهای فوق می‌توان به افراد محروم این منطقه دسترسی بیشتری به فرصت‌های آموزشی ارائه نمود و کیفیت سطح آموزش آنان را ارتقا داد. البته برای موفقیت در این راهکارها، نیاز است که ضمن برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی با دولت و سازمان‌های مربوطه، تلاش مستمر نیز برای حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این مناطق صورت بگیرد. بدون شک اجرای این الگو مستلزم همکاری سیاستگذاران، مربیان و آحاد جامعه برای تامین فرصت‌های آموزشی برابر در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان است.

منابع

- بایابی، محبوب و ریاحی، وحید. (۱۳۹۷). بررسی تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان ارومیه (مطالعه موردی، دهستان انزل شمالی). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۳)، ۲۳۱-۲۰۳.
- حسین بر، یارمحمد؛ نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نابرابری‌های آموزشی سیستان و بلوچستان در مقایسه با شاخص‌های کشوری و ارائه الگویی برای تحقق عدالت آموزشی با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۰(۳): ۴۱۳-۳۸۳.
- حیدرزادگان، علیرضا و صندوقداران، محمد حسین. (۱۳۹۶). فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر). *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۶(۱۱)، ۱۷۵-۱۵۹.
- خمیری، منصور و معموری، ابراهیم. (۱۳۹۷). پایش سیاست‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی فضا از منظر ژئوپلیتیک ناحیه‌ای در جنوب شرق ایران (مطالعه موردی: سیستان و بلوچستان). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۳)، ۴۱۰-۴۲۳.

- سامری، مریم، حسنی، محمد، و سیدعباس زاده، میرمحمد. (۱۳۹۴). تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی مورد شناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای*، ۵ (۱۴)، ۱۰۵-۱۲۲.
- شیرکرمی، جواد، و بختیارپور، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهر ستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۷ (۲۶)، ۴۱-۵۸.
- صبحی مقدم، مژگان، عباسی، عنایت و بیژنی، مسعود. (۱۳۹۶). طراحی الگوی تشکیل یک سازمان مردمنهاد محلی: شرایط، تعاملات و پیامدها (مورد مطالعه، روستای کینخا، شهر ستان زابل). *پژوهش های روستائی*، ۸ (۳): ۵۰۲-۵۱۷.
- میر، علیرضا. (۱۳۹۴). تاثیر عدالت آموزشی در کاهش نابرابری های افقی منطقه ای در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و اقتصاد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- نبی زاده سرابندی، سیما. (۱۳۸۴). بی عدالتی در فرصت های آموزشی استان سیستان و بلوچستان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۳ (۳) (پیاپی ۱۳)، ۱۷۵-۱۵۵.
- Ainscow, M. (2020). Promoting inclusion and equity in education: lessons from international experiences. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, 6(1), 7-16.
- Beitz, C. R. (1975). Justice and international relations. *Philosophy & Public Affairs*, 360-389.
- Biesta, G., Heugh, K., Cervinkova, H., Rasiński, L., Osborne, S., Forde, D., ... & Tesar, M. (2022). Philosophy of education in a new key: Publicness, social justice, and education; a South-North conversation. *Educational Philosophy and Theory*, 54(8), 1216-1233.
- Brighouse, H., & Swift, A. (2014). The place of educational equality in educational justice. *Education, justice and the human good*, 14-33.
- Coleman, J. S. (1968). Equality of educational opportunity. *Integrated education*, 6(5), 19-28.
- Culp, J. (2020). Educational justice. *Philosophy Compass*, 15(12), e12713.
- Forsythe, M. E., & Chan, Y. W. (2021). Justice-centered education amid the COVID-19 pandemic. *The Journal of Environmental Education*, 52(5), 347-357.
- Gamoran, A., & Long, D. A. (2007). Equality of educational opportunity a 40 year retrospective. In *International studies in educational inequality, theory and policy* (pp. 23-47). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Gillham, B. (2000). *Case study research methods (Continuum research methods)*. London: Bloomsbury.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (2017). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Routledge.

- Gutmann, A. (1995). Civic education and social diversity. *Ethics*, 105(3), 557-579.
- Howe, K. R. (1997). *Understanding Equal Educational Opportunity.* " *Social Justice, Democracy, and Schooling.*" *Advances in Contemporary Educational Thought, Volume 20.* Teachers College Press, 1234 Amsterdam Avenue, New York, NY 10027
- Landi, D., Lynch, S., & Walton-Fisette, J. (2020). The A–Z of social justice physical education: Part 2. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 91(5), 20-27.
- Meyer, K. (2021). Talents, abilities and educational justice. *Educational Philosophy and Theory*, 53(8), 799-809.
- Nielsen, L. (2020). Teach them to play! Educational Justice and the capability for Childhood play. *Studies in Philosophy and Education*, 39(5), 465-478.
- Reimers, F. M. (2022). *Primary and secondary education during Covid-19: Disruptions to educational opportunity during a pandemic* (p. 475). Springer Nature.
- Rodriguez, A. J., & Morrison, D. (2019). Expanding and enacting transformative meanings of equity, diversity and social justice in science education. *Cultural Studies of Science Education*, 14, 265-281.
- Shields, L., Newman, a., & Satz, D. (2023). "Equality of Educational Opportunity", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2023 Edition), Edward N. Zalta & Uri Nodelman (eds.),
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (1997). *Grounded theory in practice.* Sage.